

اولين كانال تلگرامي انشا

انتنا ها ابتدایه فنا یایه دوازدهم



جهت عضویت روی

لینک کلیک کنید

@ENSHA

@ENSHA

کانال تلگرام

گام به گام

برای پایه های ابتدایی تا دوازدهم

جهت عضویت روی لینک <کلیک> کنید

@gambeg

@gambeg

کانال رسمی پایہ

هفتم

بانک جامع نمونه سوالات پایہ هفتم

لینک کانال

@HAFTOM

@HAFTOM

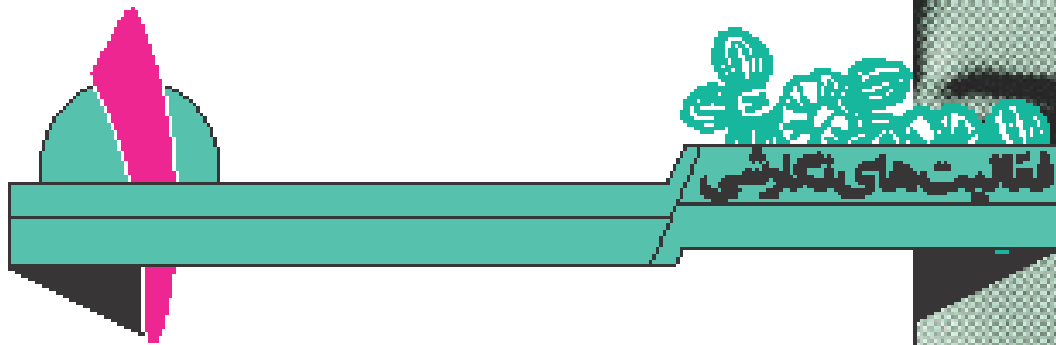


نمره برتر

در هر موقعیتی که هستی

بهترین خودت باش

نمره برتر ، یک سایت آموزشی متفاوت



تقویت‌های تک‌گوشی

◆ نوشته زیر را بخوانید و ساختمان آن را مشخص کنید.

زبان‌های ما

زبان، عامل پیوند یا دیگران، پیام دادن و گفت‌وگو است. اکنون اگر از شما بپرسند چند زبان داریم؟ جواب خواهید داد: «خب معلوم است یک زبان». اما یا کمی تأمل، درمی‌یابیم که از راه‌های دیگر هم می‌توانیم پیام بدهیم و یا دیگران سخن بگویند.

ما افزون بر این زبان، یعنی زبانی که با آن حرف می‌زنیم، زبان‌های دیگری هم داریم؛ مثلاً وقتی از دور یکی از دوستانمان را می‌بینیم و برایش حسرت نگران می‌دهیم در واقع بدون آنکه سخنی بر زبان آوریم، با او ارتباط برقرار می‌کنیم، سلام می‌کنیم و اخوانش را می‌پرسیم.

هنگامی که مُبصر کلاس انگشتش را روی لب و بینی‌اش می‌گذارد، در واقع به دانش‌آموزان یادآوری می‌کند که ساکت باشند و نظم کلاس را بر هم نزنند.

به کمک دیگر اعضای بدن هم می‌توانیم پیامی را به دیگران بفهمانیم؛ مثل حرکت سر، چشم، ایر و... به این زبان‌ها، «زبان‌های بدن» می‌گویند.

بنابراین، اگر زبان‌های بدن خود را خوب بشناسیم و به موقع آنها را به کار بگیریم، با دیگران ارتباط مؤثرتری خواهیم داشت.

بند مقدمه

بند بدنه

بند نتیجه

الف) چشمش که به پنجره افتاد، غصه‌اش گرفت.

ب) چشش که به پنجره افتاد غصش گرفت.

جملهٔ الف، درست است؛ در نگارش رسمی، به کارگیری کلمات شکسته، کوتاه شده و گفتاری، مناسب نیست. مگر در گفت‌وگوهای میان اشخاص داستان یا نمایشنامه.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

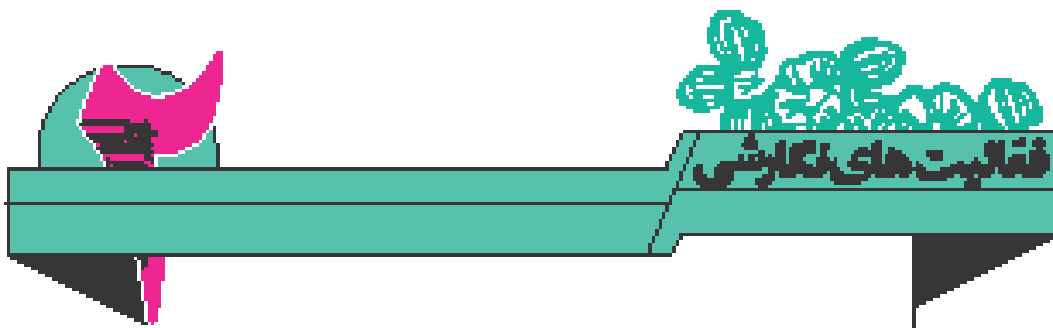
◆ هرکی وارد شهر می‌شه، می‌پرسه چه خبره؟

.....هر کس وارد شهر میشود میپرسد چه خبر است؟

◆ تا خودت رو تغییر ندی، نمی‌تونی سبب تغییر دیگران بشی.

تا...خودت...را...تغییر...ندهی... نمیتوانی...سبب...تغییر...دیگران...شوی

درس دوم



فصلیت های نگارشی

◆ نوشته زیر را بخوانید و ویژگی های هر بخش را مشخص کنید.

نقشه داریم برای آینده

من برای آینده، نقشه‌هایی زوادی داشتم که دام می‌خواست آنها را مویه مویه اجرا کنم.

دام می‌خواست در آینده، متخصص بدن انسان شوم؛ اما برادرم به من گفت: چون تو خوش خط هستی، پس نمی‌توانی دکتر شوی. نازه، خیلی از دکترها، دکتری را ول کرده‌اند و رفته‌اند سراغ ساختمان‌سازی!

بعد، ما تصمیم گرفتیم که مهندس بشویم تا ساختمان‌های محکم‌تری بسازیم و پول‌دار شویم؛ ولی دیدم برادر بزرگم که خودش چند سال است مهندس شده، هنوز پول‌دار نشده است؛ نازه او به من گفت: این روزها هر پاره آجری را که بلند کنی یک مهندس از زیرش بیرون می‌آید.

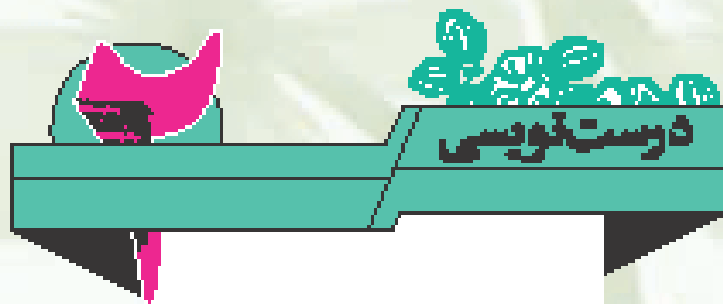
من، خلیا شدن را هم خیلی دوست داشتم. هنگامی که برادران «رایت» برق شنیدند، پرواز کنند، من در پرست خرد نمی‌گنجیدم؛ اما اقی هر وقت اختیار را گوش می‌دهم، یک دراپید اسقرط می‌کند و همیشه هم مقصّر اصلی، خلیا است و من نمی‌دانم چرا اسم خیلی از این خلیاها «دورپراف» است. ما چون به فوتبال هم علاقه‌مند هستیم و دوست داریم یک روز به «هرنامه نوده» برویم و بین صفر تا یک میلیون، چند تا عدد انتخاب کنیم، تصمیم گرفتیم داور شویم، زیرا داورها یا سوت همه کار می‌کنند؛ اما چند وقت پیش، شنیدم که نه‌شاجیران در ورزشگاه به داور بد ویی راه گفتند و داور هم قرمز شد.

بعد، مصمم شدیم که نویسنده بشویم؛ ولی در یک جایی خواندم اگر شکار اکاک شغل شد، نویسنده‌گی هم شغل می‌شود.

ما دیگر خسته شده بودیم و نمی‌دانستیم، برای آینده خود چه نقشه‌هایی بکشیم. دوباره رفتیم سراغ برادرمان و با او مشورت کردیم. او گفت: نمی‌دانم؛ اما سعی کن کاری را انتخاب کنی که همیشه تک‌باشی و معروف شوی.

آن وقت بود که ما تصمیم گرفتیم از میان این همه شغل، هست به انتخاب بزنیم و رئیس‌جمهوری شویم.

◆ صدقش شهبازی / مدرسه کور آنگرم فزین / با تلخیص و اندک تغییر / نقل از مجله «انشا و نویسندگی»



الف) معلم نگارش، حسن را صدا زد و از او خواست، نوشتن‌اش را بخواند.
ب) معلم نگارش، حسن را صدا زد و از آن خواست، نوشتن‌اش را بخواند.
جمله الف درست است. ضمیر «**آن**» معمولاً برای اشیاء به کار می‌رود و گاهی در حالت جمع به جای اشخاص هم می‌آید، مانند دانش‌آموزان امروز به مدرسه نیامدند، آنها به گردش علمی رفتند.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ مری، دستیارش را صدا زد از آن خواست، بچه‌ها را برای تمرین آماده کند.

مری، دستیارش را صدا زد و از او خواست بچه‌ها را برای تمرین آماده کند.

◆ این دوچرخه را دوست دارم؛ زیرا او دوچرخه دوران کودکی من است.

این دوچرخه را دوست دارم زیرا او دوچرخه دوران کودکی من است.

درس سوم

◆ نوشته زیر را بخوانید و موضوع کلی و ریز موضوع های آن را با رسم نمودار نشان دهید.

در دنیا عجایب و شگفتی های زیادی وجود دارد. یکی از شگفتی های جهان خلقت، جانوران هستند. جانوران، گونه های مختلفی دارند.

مقدمه

پرنده گان، جانورانی هستند که پرواز می کنند. پر و بال برای پرنده گان، مهم ترین عضو است. پرها اگرچه ظریف اند، قوی نیز هستند. پر و بال پرنده گان که در زمان پرواز گسترده می شوند، در زمان سرما، اضافی گرم و پوشنده و در وقت خطر سپری برای مخفی شدن پرنده است. برخی از پرنده گان، مثل تیر پرواز می کنند. بعضی دیگر به راحتی تغییر جهت می دهند و عده ای نیز در آب، شیرجه می زنند. شتر مرغ، بزرگ ترین پرنده است و نمی تواند پرواز کند و مرغ مگس خوار به اندازه سر انگشت است و کوچک ترین پرنده جهان است.

بدنه متن

خزندگان هم موجودات عجیبی هستند. آنها به روی زمین می خزند. بدنشان فلس دارد و بعداً تخم می گذارند. بزرگ ترین خزنده، «تمساح» به طول هفت متر و کوچک ترین آنها، مارمولک خانگی است که تنها ۱۸ میلی متر طول دارد.

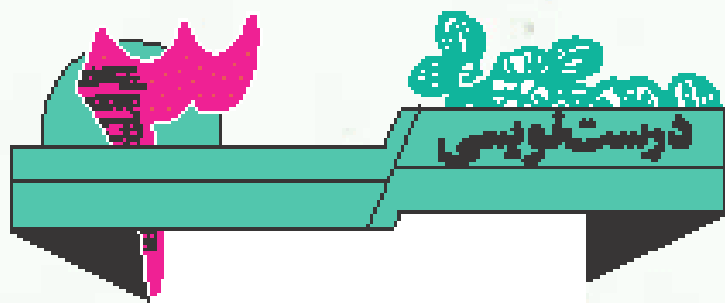
آبزیان، به جای زندگی در خشکی، در آب زندگی می کنند. آنها به جای شش، آبشش دارند؛ به همین خاطر می توانند در زیر آب نفس بکشند. ماهی ها یکی از انواع این آبزیان هستند.

دوزیستان، جانورانی هستند که قادرند هم در آب و هم در خشکی زندگی کنند. آنها در نوزادی ابتدا آبشش دارند؛ اما به تدریج یا رشد کردن، صاحب یک جفت شش می شوند و در خشکی، نفس می کشند.

این گونه گونی و شگفتی خلقت جانوران، یکی از نشانه های قدرت خداوند است و برای ما درس ها و حکمت های زیادی دارد.

پند نتیجه

◆ مولفان



♦ الف) من و حسن به کتابخانه عمومی شهر رفته‌یم و یک ساعت در آنجا مطالعه کردیم. روز بعد، من یا معلم و دانش‌آموزان، به کتابخانه عمومی رفته‌یم.

♦ ب) من و حسن به کتابخانه عمومی شهر رفته‌یم و یک ساعت در آنجا مطالعه کردم. روز بعد، من یا معلم و دانش‌آموزان، به کتابخانه عمومی رفته‌یم. جمله الف درست است.

- برای «نهاد مفرد»، فعل به صورت «مفرد» آید: من به مدرسه رفته‌یم.

- برای «نهاد جمع» فعل به صورت «جمع» می‌آید (ما به مدرسه رفته‌یم).

- برای «نهاد مفردی که همراه شخص دیگری باشد و بین آنها «و» بیاید، فعل به صورت «جمع» می‌آید: من و حسن به مدرسه رفته‌یم.

- برای «نهاد مفردی که همراه شخص دیگری باشد» و بین آنها «یا» بیاید،

فعل یا کلمه فیل از «یا» هماهنگ است: من یا حسن به مدرسه رفته‌یم؛ ما یا حسن به مدرسه رفته‌یم؛ من یا دانش‌آموزان به مدرسه رفته‌یم؛ دانش‌آموزان یا من به مدرسه آمدند.

♦ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

♦ پروانه، در میان گل‌ها چرخیدند؟

..... پروانه در میان گلها چرخید.

♦ ملکه یا زنبورهای عدل به سمت باغ گل‌ها پرواز کردند.

..... ملکه یا زنبورهای عدل به سمت باغ گلها پرواز کرد.

♦ دانش‌آموز و معلم، در کلاس مهارت‌های نوشتاری، می‌نوشت.

..... دانش‌آموز و معلم در کلاس مهارت‌های نوشتاری می‌نوشتند.

درس چہارم



قابلیت‌های تکاثری



◆ نوشته زیر را بخوانید و پس از بررسی دقیق، موضوع نوشته و موضوع‌های کوچک‌تر هر بند را مشخص کنید.

موضوع:

نوروز! یعنی روز نو، روز گارانو. شاید به همین خاطر است که با آمدن نوروز، همه چیز نو می‌شود.

معنی

درختان از نو، شکوفه و برگ می‌کنند و از نو میوه می‌دهند. چشمه‌های زیادی از کوه، سر از زیر می‌شوند که همه زلال و تازه هستند. حیوانات زیادی که در تمام زمستان در خواب بوده‌اند، بیدار می‌شوند و زندگی دوباره و نو پیدا می‌کنند.

زنده شدن طبیعت

در نوروز همه سعی می‌کنند، نو و تازه‌تر به نظر بیایند. خانه‌نو، لباس نو، پول نو، برگ و شکوفه نو، زندگی نو و ...

نو شدن ظاهر و پوشش

مادان، با ذوق و سلیقه‌اش، فضای خانه را دگرگون می‌کند، و همه چیز را برق می‌اندازد.

نظافت و خا

باها هم دست به نوآوری می‌زند، چیزهای نو می‌خرد، خاک باغچه را عوض می‌کند و یکی دو تا نوال یا گل رز هم می‌کارد.

تکالی

خرید

باغچه‌ها را با لباس‌های نو می‌پوشند؛ از یزرگ‌ترها عیدی و کتاب‌های نو می‌گیرند و در مسافرت عید، جامه‌های نو و تازه را می‌پینند.

عید و عیدی

راستی کسی را می‌شناسید که با آمدن نوروز و نو شدن طبیعت، نگاهش را نو کند؟ یعنی به چیزهای اطرافش جور دیگری نگاه کند. سهراب سپهری در یکی از شعرهایش می‌گوید: «چشم‌ها را باید شست / جور دیگر باید دید...» شستن چشم‌ها چیزی است شبیه خانه‌تکانی عید، یا عوض کردن لباس‌های کهنه و فرسوده.

نو شدن گه و باغچه

● مراقبان

◆ آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «زبانم مو در آورد».

◆ آن قدر مطلب را برایش تکرار کردم که به قول معروف «خسته شدم».

جملهٔ ردیف اول درست است؛ زیرا بعد از عبارت «به قول معروف» یک سخن معروف و شناخته شده‌ای، قرار گرفته است؛ اما در جملهٔ ردیف دوم، سخن معروفی ذکر نشده است. بنابراین، هرگاه در نوشته‌ای عبارت «به قول معروف» را به کار ببریم؛ باید پس از آن حتماً سخن معروف، یعنی مشهور، مثلی رایج و... ذکر کنیم مانند:

◆ برای آمدن تو آن قدر صبر کردم که به قول معروف زیر پایم علف سبز شد.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ وقتی دو میسر در یک کلاس باشند به قول معروف نظم کلاس به هم می‌خورد.

وقتی دو میسر در... بکند... کلاس... باشند... به... قول... معروف...!! خوب دانشا... در بکند... لقا!

نیکوچند "

◆ از پس که آن مجلس طولانی شد به قول معروف همه به خواب رفتند.

از پس که آن... طولانی... شد... به... قول... معروف...!! حلقه... زیر... چا... سبز... شد!"

درس پنجم

فعالیت‌های نگارشی

◆ پس از خواندن بند زیر، جمله موضوع و جمله‌های کامل‌کننده را مشخص کنید.

سختن گفتن در برابر جمع، برای خیلی‌ها با هیجان و هراس، همراه است.

جمله موضوع

ریشه این هیجان و هراس، در دوران کودکی این افراد، نهفته است. این هیجان و هراس، با آنها به دنیا نیامده است. این گونه، یاد گرفته‌اند یا از دیگران به آنها منتقل شده است. روان‌شناسان می‌گویند: «بیشتر مشکلات در بزرگسالی، به دوران کودکی برمی‌گردد». اگر این سخن روان‌شناسان درست باشد، پس هیجان و هراس، از سخن گفتن در برابر جمع هم، به تربیت و آموزش دوران کودکی ما برمی‌گردد.

جمله کامل‌کننده

◆ مؤلفان

♦ الف) کتابخانه‌ام را مرتب کردم. کتاب‌هایی را که نمی‌خواستم جمع کردم، توی جعبه گذاشتم و به کتابخانه محل هدیه کردم.

♦ ب) کتابخانه‌ام را مرتب کردم و کتاب‌هایی را که نمی‌خواستم جمع کردم و توی جعبه گذاشتم و به کتابخانه محل هدیه دادم.

جمله الف درست است. در جمله ب از «واو» ربط (حرف پیوند میان جمله‌ها) استفاده بی جا و بی‌رویه شده است.

♦ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

♦ مادرم خانه را تر تمیز کرد و فرش‌ها را انداخت و وسایل را چید.

مادرم خانه را تر تمیز کرد. فرش‌ها را انداخت و وسایل را چید.

♦ بازیکن در نوک حمله پابه‌پای توپ دوید و بازیکن‌های تیم حریف را جا گذاشت زد و به دروازه نزدیک شد و گل زد.

بازیکن در نوک حمله پابه‌پای توپ دوید. بازیکن‌های تیم حریف را جا گذاشت به دروازه نزدیک شد و گل زد.

درس ششم



الف) بازی برای کودکان، لذت بخش تر از خوردن آب و غذا است. کودکان، وقتی در شور و شادی بازی غرق می‌شوند، غذا خوردن را فراموش می‌کنند. بیشتر مادران برای خوراندن غذا به کودکان خود، به زحمت می‌افتند؛ اما هرگز پیش نمی‌آید، مادری برای تشویق کودک به بازی، به زحمت بیفتد. کودکان هنگام غذا خوردن، به سراغ بازی می‌روند؛ وای هنگام بازی، معمولاً دنبال غذا نمی‌روند.

موضوع بحث: اهمیتش، با بازی، برای کودکان.....

جمله موضوع: بازی، برای کودکان، لذت بخش، است، از خوردن آب و غذا است.

ب) کتاب‌ها، مثل آدم‌ها هستند. بعضی از کتاب‌ها ساده‌اند، بعضی می‌پوشند و بعضی، ایاس‌های عجیب و غریب و رنگارنگ دارند. بعضی از کتاب‌ها برای ما قصه می‌گویند تا بخوابیم و بعضی قصه می‌گویند تا بیدار شویم. بعضی از کتاب‌ها شاگرد اول می‌شوند و جایزه می‌گیرند؛ بعضی مردود می‌شوند و بعضی تجدید؛ بعضی از کتاب‌ها نقل می‌کنند... بعضی از کتاب‌ها بر حرف‌اند وای حرفی برای گفتن ندارند و بعضی ساکت و آرام‌اند وای یک عالم، حرف گفتنی در دل دارند... (بی‌وال پریدن)

موضوع بحث: اهمیتش، کتابها.....

جمله موضوع: کتابها، مثل آدمها هستند.....

الف) صبح زود از خانه بیرون می‌روم. وقتی به مدرسه می‌رسیم، یابای مدرسه را می‌بینم که تازه در مدرسه را باز می‌کند.

ب) صبح زود از خانه بیرون می‌روم. وقتی به مدرسه رسیدم، یابای مدرسه را می‌بینم که تازه در مدرسه را باز می‌کند.

جمله الف درست است. زیرا همه فعل‌ها در زمان «حال» جریان دارند. هنگام نوشتن باید به زمان فعل‌ها توجه داشت. چرخش فعل‌ها از زمان حال به زمان گذشته و برعکس، نوشته را پیچیده و خواننده را سردرگم می‌کند.

◆ جمله‌های زیر را ویرایش کنید:

◆ دوچرخه‌سواری در روزهای باصفای اردیبهشت، دلپذیر بود. دوچرخه هم انگار خوشش می‌آید. بهتر می‌رفت.

دوچرخه سواری در روزهای باصفای اردیبهشت دلپذیر ا

دوچرخه هم انگار خوشش می‌آید، بهتر می‌رود.

◆ گل را از روی شاخه می‌چیدم، یو می‌گشتم: اما مثل همیشه از بوی آن لذت نمی‌بردم.

گل را از روی شاخه پیچیدم. یو می‌گشتم. اما مثل

همیشه از بوی آن لذت نمی‌بردم.

درس هفتم

◆ ابتدا موضوعی برای متن زیر، تعیین کنید، سپس برای هر بخش، پرسش‌هایی متناسب، طرح کنید.

سهراب سپهری از شاعران معاصر است که در ۱۵ بهر ماه ۱۳۰۷ در کاشان به دنیا آمد. پدرش «سداقه» و مادرش «ماه جبین» نام داشت و هر دو اهل هنر و شعر بودند.

سپهری دوره ابتدایی و دبیرستان را در کاشان به پایان رساند و پس از فارغ‌التحصیلی از دانش‌سرای مقدماتی به استخدام اداره فرهنگ کاشان در آمد. سپس به تهران آمد و در دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت و نشان درجه اول علمی را دریافت کرد.

سهراب در زمینه شعر، آثار ارزشمندی را پدید آورد. شعرهایش بسیار لطیف و پر از احساس و عاطفه است. مجموعه شعر «حشت کتاب»، اثر معروف اوست.

وی به فرهنگ مشرق زمین علاقه خاصی داشت و به هندوستان، پاکستان، افغانستان، ژاپن و چین سفر کرد.

سپهری، اردیبهشت ۱۳۵۹ در تهران درگذشت. آرامگاهش در اردمال کاشان است.

◆ موضوع:

◆ پرسش‌ها:

- ◆ در... چه... نارپض... در... چه... مکان... پدیا... آمده... است...؟
- ◆ تحصیلات... دوره‌های... مختلف... وی... در... کجا... و... چگونه... بوده... است...؟
- ◆ علایق... وی... چه... بوده... و... آثار... وی... دارای... چه... ویژگی... هایی... است...؟
- ◆ در... چه... تاریخی... از... دنیا... رفت... و... محل... آرامگاه... او... کجاست...؟

درست نویسی

الف) نام، نشان ماست، نام من فریده هج است و دارم برایت نامه می نویسم.

ب) نام نشان ماست، نامه من فریدون است و دارم برایت نامه می نویسم.

جمله الف درست است. به کارگیری نشانه «ه» در دومین جمله ردیف «ب» در کلمه «نامه» نادرست است. آنچه در این جمله از این کلمه تلفظ و شنیده می شود، صدای (ه) است.

◆ جمله های زیر را ویرایش کنید:

◆ سوار از راه رسید، سواره بر اسب؛ او پیاده بود و ما سواره.

.....سوار...از...ده...رسیده...سوار...چو...ما...سواره

◆ کار جوهر انسان است. کاره من خواندن و نوشتن است؛ من همه کاره نیستم.

نشان...است...کارم...خواندن...نوشتن...است...من...همه کاره...نیستم

درس هشتم

شجاعت این است که انسان در موقع ازوم در برابر حوادث و مخاطرات و رنج‌ها و مشقت‌ها ایستادگی کند. شجاعت، ترسیدن نیست. مثلاً آن کس که با کمال بی پروایی در کوچه و خیابان مرتکب حرکات شرم آور می‌شود، شجاع خوانده نمی‌شود.

شجاع، کسی است که از مرگ و خطر و عواقب کارهای بد بترسد؛ ولی در موقع ترس، خود را نیازد و دست و پای خود را گم نکند. فرماندهی که در زیر آتش توپ‌خانه دشمن بر جان خود می‌ترسد؛ یا وجود آن، ناب می‌آورد و وظیفه خود را انجام می‌دهد، فرد شجاعی است. حتی زمانی که با زیردستی و مهارت، عقب نشینی می‌کند، شجاع است. وقتی یابد او را ترسو خواند که در مقابل دشمن، عقل خود را از ترس گم کند و به کاری دست یزند که به زبان لشکریانش ندام شود.

شجاعت فقط شجاع بودن در میدان جنگ نیست. یکی از شجاعت‌ها، شجاعت اخلاقی است. شجاعت اخلاقی آن است که انسان، نظر و عقیده درست خود را با جرئت، بیان کند و در بیان حقیقت از هیچ چیز و هیچ کس حراس نداشته باشد.

شجاعت یکی از خصیلت‌های نیکوی انسان است. شجاعت به انسان، نیرو، اعتماد و دایری می‌بخشد. جامعه‌ای که افراد آن شجاع باشند؛ مرکز در برابر دشمنان، تسلیم زور و ستم نمی‌شوند و از حق خود به خوبی دفاع می‌کنند.

◆ احمد بهمنیار، فارسی اول راهنمایی، ۱۳۶۲، با کاهش و تغییر

موضوع:

پرسش‌ها:

..... شجاعت، یعنی چه.....؟

..... شجاع چه کسی است؟

..... شجاعت چند نوع است؟

..... شجاعت در انسان چه اثرهایی می‌گذارد؟

الف) مادر و مادر بزرگم به زیارت امام رضا (ع) رفتند.
ب) مادر و مادر بزرگم به زیارت امام رضا (ع) رفتن.

جمله الف درست است. می دانیم که «مصدر» یا «عمل» تفاوت دارد. فعل ویژگی شخص، شمار و زمان را بیان می کند و معمولاً در پایان جمله ها قرار می گیرد؛ اما مصدر این ویژگی ها را ندارد.

♦ جمله های زیر را ویرایش کنید:

♦ گفتن و نوشتن جدا از هم نیستن.

..... گفتن و نوشتن جدا از هم نیستند

♦ آنها هم برای خودشان عقیده هایی داشتن.

..... آنها هم برای خودشان عقیده هایی دارند

جزوه های بیشتر (کلیک کنید) :

گام به گام رایگان هفتم | | نمونه سوالات هفتم | | جزوه های هفتم |

جهت دانلود جدید ترین مطالب بر روی پایه خود روی لینک های زیر کلیک کنید.



ابتدایی

اول ✓ دوم ✓ سوم ✓ چهارم ✓ پنجم ✓ ششم ✓

متوسطه اول

هفتم ✓ هشتم ✓ نهم ✓

متوسطه دوم

دهم ✓ یازدهم ✓ دوازدهم ✓